JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
ACC No. 3139
Date 18.8.06

رساله "حسنات العارفین"
از دارا شکوه

نمبر ۶۳ — م 416

عطیه سید عبد الباری
ایڈووکیٹ علی گڑھ 416 م
۵ اکتوبر ۱۹۶۲

بسم الله الرحمن الرحیم

بیحدی راست حمد بیحد که حامد و محمود اوست و صمدی راست ثنای بیعدد که
وجود و جود و موجود همه اوست الا کل شیء ما خلا الله باطل و نعت فراوان
اوست مظهر ذات حضرت وجود و صلوات بیکران بر رسولی که
همه کمالات جامع صفات لامحدود اما بعد میگوید فقیر بی حزن و اندوه محمد دارا شکوه
چون در ایام که یکهزار و پنجاه و دو هجری و بیست و هشتم سال از ولادت این فقیر خاطر ما
بالکلیه کتب اهل سلوک و تصوف ملول گردیده بجز توحید صرف منظور نظر
نماند و از وجد و ذوق اکثر کلمات بلند حقائق و معارف و معارفت گفته شد که فهم آن
دون همتان و ابنای جنس از آن عداوت که از کوتاه بینی و حسد و طعن و تکفیر و انکار
ایشان شد بنابرین بخاطر این فقیر رسید که اگر احوال گرامی موحدان و بزرگان و عارفان که
تهذیب مخلوقات در اسباب یاران و معاملات اند سخنان بلندان را شطحیات و

۳۱۳۹۶

۸

و لیس فی جبتی سوی الله انا الحق و اشباه این شطح الهی هو الاول والآخر
والظاهر والباطن یعنی وجود منحصر در ذات است همه بهم واسطه فرموده که درین آیت و سایر
هیچ چیز وجودی نگذاشت همه خود شد و هم فرموده فاینما تولوا فثم وجه الله هر طرف که روی
بیارید روی ذات است یعنی روی شما روی ذات است و هم فرموده ان الذین یبایعونک
ید الله فوق ایدیهم یعنی دستگیر ذات محمد بیعت کرد که ذات الله بیعت کرد و آن دست الله
بالای دستها است دست محمد است و ازین نوع اند در کلام قدسی بسیار است و احادیث شطاح بالفتح
والتشدید طاحونه را گویند بکثرت تحرک روی و چون آب غلبه کند و در نهر نگنجد گویند
شطح الماء فی النهر عارفان در کثرت اسرار واحدیت چون وجد ایشان قوت گیرد
بجهتی که مر ارباب استعدادات ایشان بیان معارف و اسرار الهی بعبارتی که
عقل از ادراک آن عاجز باشد **فرد** شطحی خواهی شطح اندر یابی ؛ حالت شطاح ما حبس باشد
شطح بالفتح هم یعنی دستگیر ذات محمد بیعت کرد ذات الله بیعت کرد وان دست الله که بالای
دستها است دست محمد است و مثال این در کلام الهی و احادیث بسیار است چنانکه فرموده ای موسی
بیمار شدم نپرسیدی گرسنه بودم مرا طعام ندادی موسی گفت خداوندا تو منزهی
ازین گفت فلان درویش مرا که بیمار بود عیادت نکردی و گرسنه طعام ندادی موسی گفت
خداوندا تو منزهی چه من گوش اویم و چشم اویم و زبان اویم و پای اویم و دست اویم

نامند صادر شده در کتب و رسایل این قوم متفرق است یا از عارفان
وقت خوش شنید جمع نماید تا حجت قاطع و برهان ساطع بر دجال
خران عیسی نفسان و فراعنه موسی صفتان و ابوجهلان محمدی مشربان
باشد و چون که عاشق عارف روزبهان بقلی رحمة الله علیه جمع نموده
مشتمل بر تشبیهات و استعارات بود خوانندگان را موجب ملال میشد
مختصری بعبارات راست و اشعار مناسب چه از ایشان و چه از خود و الهام
آن را باشاره فرمان مبین حسنات العارفین نام نهاد تا صادقان [illegible]
حجت و دستبند و دهان طاعنان از سر رشته کوتاه گردد و افتتاح آن بکلام الهی و احادیث
نبوی و اقوال اصحاب کبار که دلایل واضح اند بر اثبات انبساط محمد
توحید بسی گفت ولی گفت خدا: جز وحدت ذات نیست [illegible] اشکال: هر گاه
[illegible] انبیا میگفتند: من حوصله از کجا بارم بما: عارف [illegible] بایزید بسطامی
گفته است تخم پاک موحدیست در عهد آدم در زمین کردند و در وقت نوح از زمین
بر آوردند و در زمان ابراهیم [illegible] و در عهد موسی خوشه پدیدار گشت
و در عهد عیسی انگور شد و در زمان محمد شراب صافی گشت و رندان این امت از آن
شراب قدح ها نوشیدند بیخود گشتند و به بانگ بلند گفتند که سبحانی ما اعظم شانی

از آن کافران حقیقی اند که عارفان باشند مراد از دشمنان حقیقی موهوم اند
چه اجتماعیه را اهل ظاهر کافر و دشمن میدانند و از اینجاست که ابن عربی در تفسیر
این آیت که ظاهرش در شان کفارست ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم
ام لم تنذرهم لا یؤمنون فرموده که این آیت در شان کافران حقیقی که کبرای عارفان نازل شده
وارد شده یعنی این کافران حقیقی را خواه بترسانی یا نترسانی برابرست ایشان را ایمان عوام نمی آرند
و شیخ زین شاه میر قدس الله سره در تفسیر آیه ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی
ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم فرموده که در حق خاصانست ختم کشند
بر دلهای ایشان که در دل ایشان غیر ما نباید و چشم ایشان غیر ما نبیند و گوش ایشان از غیر نشنود
مر ایشان را لذت و حلاوت بشارتست از آن کفر شطح عثمان ذو النورین رضی الله عنه
فرموده ما رایت شیاء الا و رایت الله بعده یعنی ندیدم هیچ چیزی را مگر آنکه دیدم الله را
بعد آن چیز مثنوی هر انکس را که وحدت در شهود است ٭ بچشمش دیدن هر نور وجه است
این شطح اگرچه هر دو یک بهم اند اما موافق واله هر یک واقع شده شطح علی مرتضی
کرم الله وجهه فرموده سبحان من اطاعه العاصی بعصیانه سبحان من ذکر الناس من نسیانه
یعنی پاکست آنکه گناه گار در گناه کردن هم فرمان او میبرد و پاکست آنکه فراموش کار در فراموش
هم یاد کند و هم مرتضی علی کرم الله وجهه فرموده او با هر کسیست نه انچنان که هر کسی باشد

نمی شنود و نمی گوید و نمی بیند و نمی گردد و نرسد مرو شطح حضرت محمد صلعم خلق الله ادم علی صورته

یعنی خلق کرد الله تعالی ادم را بصورت خود و هم فرموده انا احمد بلا میم یعنی احدم و خضر فرموده

علیه السلام لو دلیتم بحبل لهبط علی الله یعنی اگر رسنها بر آسمانی بسته از بالا

با پایان اندازید هر آینه می افتید بر الله یعنی به همه جهت وجه وی است و همه جا اوست

و هم آنحضرت فرموده اذا احب الله عبدا لم یضره ذنب یعنی وقتیکه دوست دارد خدای

تعالی بنده را ضرر نکند هیچ گناهی او را چه فعل او فعل حق است و هر کرا حق دوست [illegible] او

از آن باز گردد و هم آنحضرت فرموده لا تسبوا الدهر فان الدهر هو الله یعنی دشنام

مدهید دهر را که دهر خدا است و هم فرموده لا تسبوا الریح فانه من نفس الرحمان

یعنی بد مگوئید باد را که باد از نفس کشیدن حق است شطح ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرموده

ما رأیت شیئا الا و رأیت الله فیه یعنی ندیدم هیچ چیز را مگر آنکه الله دیدم پیش از آن

چیز و هم صدیق اکبر گفته وقتیکه بلال را می خریدم رسول الله فرموده مرا شریک کنید در بیع بلال

صدیق گفت یا رسول الله خدا را [illegible] این طلب حبیب [illegible] بلند اما همه کس نمی فهمد

عمر فاروق رضی الله عنه فرموده که ما رأیت شیئا الا و رأیت الله فیه یعنی ندیدم هیچ چیز را

مگر آنکه دیدم الله تعالی با آن چیز از امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه عین القضات نقل کرده که فاروق

اعظم فرموده که نیست در قرآن ذکر دشمنان و خطاب کافران یعنی هر جا که کافران مذکور آید مراد

از آن نفس ما